

حقیقت

شماره ۱۲۶ * ۲۳ خرداد ۱۳۶۰

پرکناری بنی صدر از فرماندهی
کل قوا مقدمه سازش خفت بار
با آمریکا و تسلیم بخشی از خاک وطن
به رژیم مزدور عراق است. صفحه ۱۰

کودتا چیان حاکم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند!

مبارزه را در همه جا تشدید کنید

هدین انقلاب اسلامی، گروه از خمینی و کشاندن امام بیک
امل، گروهی از افسران ارتش، انجمن های اسلامی
و ۱۰۰۰۰) کشور را بیک بحرانی سیاسی و حکومتی خطرناک فرو
افکننده و تاکنون موفق شده اند با گرفتن حکم توقیف روزنامه
از خمینی و کشاندن امام بیک امل، گروهی از افسران ارتش، انجمن های اسلامی و ۱۰۰۰۰) کشور را بیک بحرانی سیاسی و حکومتی خطرناک فرو افکننده و تاکنون موفق شده اند با گرفتن حکم توقیف روزنامه

رویدادهای چندروزه گذشته در تهران، بستن روزنامه ها، هجوم سازمان یافته به اجتماعات مردم و بیگنیه بینه های دسته جمعی خیابانی، درخیا با آنها با شعارها علیه رئیس جمهور و ادای دشنامهای رکیک به مردم و غیره، دقیقاً زمینه سازی اجرای نقشه کودتا و کشتار وحشیانه ایست که ارتجاع، نوکیسه و خیانت پیشه حاکم برای آن روز شماری میکنند (رجوع

کارنامه یکساله مجلس شورای اسلامی (۱)

یکسال پیش، در آغاز کار "مجلس شورای اسلامی"، نمایندگانش به جماران رفتند و به حضور خمینی رسیدند. فخرالدین حجازی - نماینده "اول!! تهران - در سخنان افتتاحیه "خودآیت الله خمینی را با صفاتی چون "قائدا"، "رهبر"، "امام"، "ایمان مدارا" و کسی که "مصباح" جانش آنچنان میدرخد که تاریکی زمان را در هم می پیچد" و کسی که "نورالله" در "زجاجه" پیشانی بلندش میدرخشد" و "سلیمان زمان" و "داودعمر" و کسی که "ایران" برای حکومتش "تنگ" است و خدا وعده حکومت جهان را به او داده است و "زیتونه" مبارکه و "پارسای شب" و "شیرروز" مخاطب قرارداد، از همین جابلسی افراطی این "نماینده اول" معلوم بود که چه شیادان و دودبهم زن هایی به مجلس "راه" یافته اند و چه بلایی بر سر این ملت و این انقلاب خواهند آورد.

۲ صفحه

خبرهایی از رویدادهای چند روز گذشته

۳ صفحه

تقلب تلویزیونی در پخش مراسم پانزده خرداد

۹ صفحه

جمهوری ولایت کتابه نمیشود!

۹ صفحه

مرگ بر استبداد در پرده دین

کودتایان حاکم

بقیه از صفحه اول

توده های مردم سراسر کشور، در تهران و سایر شهرها، روبرو هستند. بی گمان آتش ایمن خشم سرانجام حکومت نیرنگ و خیانت آنها را آتش خواهد زد و این دزدان قدرت را به همان جهنمی خواهد فرستاد که محمد رضا شاه و دارودسته جنایتکارش فرستاد.

وضع کاملاً روشن است: یا با مردم و انقلابشان، یا توده های زجرکشیده و خیانت دیده ای که حاضر به تحمل حاکمیت مثنی یا غی خیره سرو قبیول بیوغ بندگی ابرقدرتها نیستند، یا با این بی اغی ها، با ایمن پست فطرت ها ئی که نقشه کودتایان و کشتار خلق را میکنند و هم اکنون کام به کام به اجرای آن مشغولند.

برای ما هم مانند بسیاری از توده های ملت خویشتن جای تاسف است که خمینی هم با اردوی کودتای حاکم، با این دزدان خیره سر که از پیش زدوبندها یشان را با ابرقدرتها کرده اند، هم آوازی میکنند و توری ملت میایستند. این مسئله تنها احتمال تبدیل ایران را بیک لبستان ثانی، بیک آنگولای دیگر، افزایش خواهد داد؛ لیکن خطرناک تر از آن ادامه و تحمل حاکمیت حزب حاکم و اشراخود فروخته است که امروزشورا بعالی قضائی، دولت و اکثریت مجلس کنونی را تشکیل داده و بی محاسبات آزادی را سرکوب میکنند و کشور را در خطر رژیم

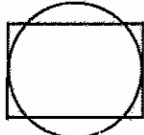
دست نشانده، محمد رضا شاه به بردگی، وابستگی و اسارت ابرقدرتها و امپریالیستها خصوصاً آمریکا در میآورند. شگفتی ندارد اگر امروز ما می بینیم تحلیلگران تلویزیون سی. بی. اس آمریکا در باره فواید نزدیک با حزب جمهوری اسلامی سخن می رانند و یا رادیویی سی. بی. سی لندن تفاسیری بِنفع حزب حاکم و همدستانش در درگیری بزرگ کنونی پخش میکنند و بلندگوهای تبلیغاتی همسایه شمالی به مدح و ثنائی ایمن خیره سران می پردازند. این شمایل وجهت گیری امپریالیستها بی دلیل بوجود نیامده است؛ بلکه آن نتیجه ۵۰ میلیارد دلار باجی است که دولت تحمیلی رجائی و شرکاء به دولت ریگان و بیا نکساران آمریکا و غیراً آمریکائیان داد؛ نتیجه تجدید قرارداد های رژیم خائن پهلوی با کارتل های بین المللی و شرکت های امپریالیستی نظیر تالپوت و کروب و لیلاند موتور و غیره است؛ نتیجه آن است که امپریالیسم همیشه با استبداد با هر رنگ و بوییش همراهی میکنند و دارودسته های مستبد و قلدر همیشه افسزار دست امپریالیستهایند.

ما به مردم ایران اعلام میکنیم که اگر این دارودسته قلدر و تاریک اندیش در اجرای نقشه کودتای خائنانسه اش موفق شود و بر رای و نظر ملت چیره گردد انقلاب و کشور هر دو از دست خواهد رفت و ملت ایران با ما شب عظیمی روبرو خواهد شد. اولین نتیجه آن شکست مفتضحانه و بعد سازش خفت بار بر سر جنگ با نجا و زکاران عراقی و آمریکا و از دست رفتن بخشی از خاک کشور است. نتیجه بعدی آن در غلتیدن کشور به یک دوره جنگهای درهم داخلی میان دارودسته های گوناگون،

قحط و غلا و فلاکت عظیم برای توده ها و همچنین مداخلات مستقیم ابرقدرتها و سرقت و غارت در مورد اخلی ایران است. تنها راه نجات از این وضع اتحاد توده های عظیم ملت، ایستادگی بر هدفهای انقلاب بهمن و تشدید نبرد متحدانه توده های انبوه مردم و همه جناحهای آزادیخواه و ضد امپریالیست برای برانداختن این دارودسته و اشیات حاکمیت مردم است. مسردم باید استوار در برابر حرف زور بایستند و حاکمیت خود را ثابت کنند. این دولت و مجلس و دستگاه قضائی و کلیه احزاب و دستجات چماق دارو خائنه به انقلاب و کشور بایبیر و نند و سرانشان به حسابرسی و محاکمه کشیده شوند. زندانها بایباز آزادیخواهان و طرفداران سازمانهای انقلابی و مترقی خالی گردد و به این دستگیریها و بازداشت های دسته جمعی در خیا با آنها و قتل های سیاسی و وحشیانه ای که خصوصاً این روزها بدست اشراخ حزب الهی و محرکین خائن آنها صورت میگیرد پایان داده شود. بایبدمطبوعات و قلم آزاد شود و مردم حق بیان خواسته ها و اعتراضهای خویش و حق اجتماع و تظاهرات و ادعاهای داشته باشند و قلدردی و چماق داری و بلوا سازی دستجاتی از قماش فدائیان اسلام، که یکبار خدمات خودشان را به استبداد و امپریالیسم در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نشان دادند و اکنون هم دوباره به همان خیانتهای سابق مشغولند، خاتمه پیدا کند. بایباز دادن امتیاز به ابرقدرتها و بستن قرارداد های خانمان بر انداز با آنها، بانکها، شرکتهای انحصارات کشورهای امپریالیستی، که هم اکنون دولت و مجلس به آن مشغولند، جلوگیری و به حاکمیت و وطن فروشها و خود فروش خنگان بر کشور پایان داد.

باید مردم ایران هشیار باشند که حزب جمهوری اسلامی و دولت نوکرمفرت رجائی مشغول زد و بند با آمریکا و عراق، بر سر جنگ کنونی و خاک کشور است و بایبدر برابر چنین خیانت عظیمی ایستاد.

ما در این درگیری بزرگ سیاسی همه مردم و درو هله اول طبقه کارگران انقلابی کشور را فرا میخوانیم که مواضع قاطع خودشان را در برابر زورگویان و وطن فروشان حاکم اعلام کنند و در برابر بر طرا حان کودتاسا و کشتاری که زمینه سازی میشود به مقابله برخاسته و متحدانسه نقشه آنها را نقش بر آب سازند. بایبدر همه کارخانجات، محلات، بازاری و مدارس و هم چنین در روستا ها گروههای مقاومت توده ای و کمیته های رهبری کنند. مبارزه بوجود آید و جنبه متحدی از همه طبقات و قشرهای مردم و نیروهای واقعا متعهد به آزادی و استقلال کشور ما زمان پیدا کند. کارگران بایبدر وسیله ممکن در برابر بیورش و وحشیانه جدید مرتجعین حاکم به آخرین بقایای آزادی و حقوق مردم بایستند، اعتماد کنند و به تظاهرات برخیزند. با زارها بایباز کسب و کار معمولی دست کشیده و کشور را دریا بند، که عنقریب از دست خواهد رفت و طعمه مثنی خائن انحصارگرو ابرقدرتها خواهد گشت. جوانان بایبدر دوباره قدم به خیا با آنها گذارند و مردم را تشویق به اعتراض و راهپیمائی و مبارزه انقلابی کنند و از حملات گستاخانه مثنی ار اذل چماق دار و ژندست، که بزوی خلق خویش آتش میگشایند، بی مبطل راه ندهند که در برابر اراده واحد مردم هیچ کس هیچ غلطی نتواند کرد.



خبرهایی از رویدادهای چند روز گذشته

در این چند روز درگیری بزرگ مردم با یورش جدید و کودتاگرانه، دارودسته، مرتجع و خائنانه، حاکم خبازی که از نقاط مختلف بهران و کوسه و کنار کشور تا کنون بدست ما رسیده، همه حاکمی از وجود یک خصم و ناآرامی در میان مردم است. در همه جا بحثهای بزرگی جریان دارد و مردم خواهان ایستادگی در برابر حرکت انحصارطلبانه و رازناخته، دولت و مجلس و دستاویزی و بطور کلی دسیسه باران حاکم برای حذف ریاست جمهوری و غصب کامل قدرت میباشند.

کارخانجات تهران

کارگران عموماً واکنس منفی و سردی در برابر سخنان ۱۸ خردادماه خمینی نشان دادند و بسیاری از توب و تشرهای دیکتاتورانه بآنسه، او خشمگین گردیدند. در کارخانه پارس - الکتریک کارگران به محرد شنیدن سخنان ۱۸ خرداد امام یکبارچه فریاد کشیدند: "مرک بر بهشتی"، "حرب چماق بدستان بآید بیره کورستان". تلاش زیادی صورت میگیرد که کارگران این کارخانه را آرام کنند. توده ای اکثریتی های خائن در اینجا کاملاً در انفعال و بی زبانی بسر میبردند، و چپ نماهای گنج سرعاطل و باطل بدور خود چرخ میزنند. در کارخانه پروفیل نیمه سیک (۱۹ خرداد) در همه قسمتها عکسهای بیتی صدررا به نشانه اعتراض به یورش کودتاگرانه اخیر با لایردند. کارگران میخواستند بطور درذدیت با حزب حاکم تهیه کنند.

در کارخانه مینو، نطق ۱۸ خرداد خمینی از طریق بلندگوها پخش میشود، و کارگران به مخرد شنیدن حرفهای او چنان ناراحت و عصبانی میشوند که تا کجا ن فریاد سارهاشی علیه خمسی در سراسر کارخانه می بیجد.

در کارخانه پارس - الکتریک کارگران به هنگام نیاز سوار مرک بر بهشتی میدهند.

در کارخانه کفش جم، بخش زبان با شعار "حزب چماق بدستان، بآید بیره کورستان" تنفر خود را از دارودسته، حاکم اعلام داشتند (۱۹ خرداد). در تعدادی از کارخانجات تهران که علامه، "هدا ربه ملت ایران" اتحادیه کمونیستهای ایران، در باره نقشه کودتای خائنانه، حزب حاکم، پخش میشود، با استقبال وسیع کارگران روبرو میشود.

در کارخانه مالی بیل، بتن سازی بابک و چند جای بررسی شده، دیگر هم جو عمومی کم و بیش به همان ترتیب باقی ماند.

اعتصاب پالایشگاه شیراز

اخیراً پالایشگاه شیراز با چند خواست اقتصادی و همچنین خواست انحلال انجمن اسلامی آنجا اعتصاب کرده و روز ۱۷ خرداد پالایشگاه اصفهان رسماً پشتیبانی خود را از اعتصاب بآید شده اعلام کرد. کارگران این پالایشگاه همپس از این اعلام رسمی به کم کاری دست زده اند.

در سطح شهر تهران در چند روز گذشته، روزهای ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

خرداد، نظراتهای پراکنده چند صد تا چند هزار نفره به حمایت از بنی صد روبا شعار - هاشمی علیه سران حزب حاکم و دولت جریان داشته، که غالباً به درگیری و زد و خورد با اصرار حزب الهی و افراد سپاه پاسداران منجر شده و تعداد زیادی زخمی و چند نفر شهید شده اند. همچنین سپاه و کمیته ها با مساعبد دستجات شور و جما قدر در این روزها بمناسبت های مختلف عده زیادی را دستگیر و بازداشت کرده اند.

اجتماع روز سه شنبه تهران

روز سه شنبه از حدود ظهر تا بعد از ظهر همان روز در حوالی لی بهبودی، تادمان، خوش، اسکندری، نواب، بیمارستان امام خمینی، میدان انقلاب تا حدود بلوار کمار و زردخیا بیان کارگروا زوسی دیگر تا زیر پل حافظ در خیابان انقلاب چند صد هزار نفر توده مردم به حمایت از بنی صد روبا شعار کرده بودند. در اسن میان چند هزار نفر به حمایت از حزب مسز دور حاکم بطور پراکنده حرکت میکردند، که بیشترین تعداد آنها در حوالی میدان انقلاب بود.

در جریان اجتماع مردم تهران در حوالی میدان انقلاب و دانشگاه در روز سه شنبه ۱۹ خرداد، که به حمایت از بنی صد روبا شعار اعلام مخالفت با توطئه کودتاگرانه، اخیراً مده بودند، برخوردهائی با چند دسته، شوره ۷-۶ نفره (با اصطلاح حزب الهی) صورت گرفت و سپس با ورود افراد سپاه و تیراندازی آنها عرصه قسرق اشرار و عده ای افراد ناآگاه

که بدنیا ل خود کشیده بودند گردید. در این زمان تشکیلات و رهبری معنی در کار نرسود و این بود که اجتماع مردم ننواست به یک حرکت متحدانه دست برند.

در جریان حمله، دستجات سرور حزب الهی و پاسداران حتی به مادران و فرزندان حد ساله و حتی حد ما هم آنها هم رحمی نمی شد و آنها را ناچاراً مورد آزار و تامل بیشرمی با قنداق تفنگ و سنگ و غیره به جان آنها افتادند. آنها و حسیا نه جا در از سردختران کشیده و لباس بسیاری را پاره کردند. هم چنین تعداد زیادی در این روز دستگیر شدند. فقط در سیماستان اما محدود ۳۰ زخمی آوردند.

قابل توجه است که در جریان درگیریهای میدان انقلاب در این روز حدود ۱۰ تا از ماشینهای عراقی و عده ای سرباز، که از جنبه برگشته بودند، از محل درگیری عبور میکردند؛ در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: هر سرباز در جنبه یک انقلاب اسلامی است. و همچنین شعار درود بر بنی صدر میدادند.

تبریز

به غیر از خیر تعطیل بازار تبریز اخباری پراکنده درباره وضع ناآرام تبریز و حتی برخی درگیریهای مسلحانه در این شهر بدست ما رسیده، که فعلاً در دست تحقیق میسود.

آستارا

طبق خبر موثقی واکنش (بقیه در صفحه ۹۴)

کارنامه ...

بعضی از صفحه اول

یک سال بعد، در ۷ مرداد ۱۳۶۰، نازم " نمایندگان " به حماران سنا میسند. اس بار " مرد اول " مجلس - هاسمینی رفسجانی - ارخمینی خواست تا برای یک سال دیگر " رهنمود " بدهد. ایسان همحای " رهنمود " به مجلس، به ملت اولسما - نوم دادند که با بیده موباب این مجلس کردن بگذاردند با سه اروپا و آمریکا بروند!

ما ندسافتم که به کارنامه، یک ساله، اسن مجلس نگاه می بسندارم تا حواتندگان و ملت بیدارند که خمینی فرمان " کردن گذاردن " به خود موباب چه کسی میدهد!

مجلس شورای اسلامی چگونه متولد گردید

انتخابات برای نمایندگان مجلس شورا در زمانی آغاز شد که حزب جمهوری اسلامی در انتخابات قبلی با شکست فاحشی روبرو گشته بود. حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری، در مقابل بنی صدر، شکست خورده از میدان بیرون رفت. کاندیدای اولیه، این حزب، جلال‌الدین فارسی، پس از آنکه افغاسی بودنش محرز گشت، و بیست‌تر از همه پس از آنکه جناحهای مختلف حزبی بر سرنا مزدی وی متفق الراهی نبودند، پس از آنکه آیت‌کودتاجی خود را سؤ و سخا اعلام نامزدی میکنند؛ از جمع نامزدهای انتخاباتی برای ریاست جمهوری کنار گذاشته میشود. کاندیدای دیگر حزبی یعنی آیت، از پشتیبانی مجموعه حزب بی بهره بود. بهرحال نامزدهای متمایل به حزب، یا نامزدهایی که حزب بدانها متمایل بود (آیت وحسن ابراهیم حبیبی) با اختلاف فاحشی از بنی صدر شکست خوردند. حزب و دارودسته، مکار و ارتجایی بهشتی که در پی قبضه قدرت بودند، در اولین گوش خود با شکست روبرو گردیدند.

ولی ایسان از یای ننشستند و امیدان بدرنرفتند. حزب جمهوری اسلامی به مشکل کردن صفوف خود برای پیروزی در انتخابات بعدی -- یعنی انتخابات مجلس شورا - همت گماشت. از طریق وزیر کشور - که اتفاقاً کسی غیر از جناب هاشمی رفسجانی نبود - با تصویب یک قانون انتخابات ارتجایی عملاً زمینه را برای پیروزی نامزدهای خودی فراهم آورد.

هیچ کس حیلها و تزویرهایی را که حزب جمهوری برای از پیش پا برداشتن رقبای انتخاباتی انجام داد از یادش نبردسته است. اولین تکرر آنان در قانون انتخاباتی آن بود که انتخابات را در مرحله ای نمودند. بدین معنی که اظهار داشتند که فقط آن کسانی در مرحله اول برنده قطعی محسوب میگردند که ۵۰٪ کل آراء را کسب نمایند. بقیه کسانیکه کم تر از ۵۰٪ آراء را کسب کنند، بدوردوم راه خواهند یافت و در دور دوم انتخابات از بین حائزین اکثریت، بقیه نمایندگان انتخاب میشوند. با این ماده ارتجایی در قانون انتخابات، عملاً راه بر نیروهای انقلابی و دمکراتیک که در مقطع زمانی انتخابات در اقلیت قرار داشتند بسته میشود آن نیرویی که دارای " اکثریت - یی " نسبی میبود میتواند دست در زد و دور متوالی کلیه نامزدهای

خود را در دور مجلس بفرستد. حرسون برای محکم کاری، ماده ای دیگر در " قانون انتخابات " مصوبه، شورای مداخلات کنعانند که بموجب آن هر رای دهنده ای میتواند نام ۳۰ نفر (در تهران) را بروی کارت اسخانی خود درج نماید، بدس برست آن نیرویی که مثلاً ۵۱٪ آراء را در احسار مداخلت می - سواست ۱۰۰٪ نمایندگان را به مجلس بفرستد و آن نیروی فلسفی که ۲۹٪ آراء را در احسار مداخلت حتی نمیتوانست یک نماینده به مجلس بفرستد. بر روی موازن " دمکراسیک " و " آزاد حواله - هانه " همین قانون انتخاباتی بود که مثلاً مسعود رجوی با بیش از ۵۰ هزار رای نتوانست به مجلس راه یابد، ولی نیروی دیگری کمی بیش از این تعداد، تا ۲۰ نفر را به مجلس راه دادند. حتی این " قانون انتخاباتی " نیز کافی نبود. حزب جمهوری محبور گردید که به بزرگترین تقلبات انتخاباتی دست یازد. تقلب در این انتخابات بقدری راجح بود، و آنقدر اسناد در این مورد را نه گردید که " حقانیت " و " قانونیت " و " مشروعیت " این انتخابات در سطح وسیعی در درون جامعه زیر سؤال کشیده شد. هیچ کس فرا موش نمیکند که چگونه حزب جمهوری اسلامی در آخرین لحظات " کارزار " !! انتخاباتی، پوستری حاب میکند " بنام ائتلاف بزرگ " که در یک طرف لیست نامزدهای حزبی قرار داشته و در یک طرف دیگر پیاپی از خمینی در مورد انتخابات مجلس، و این پوستری قدری " ما هرا نه " چاپ شده بود که همه در اولین نگاه تصور میکردند که خمینی درست این لیست را مورد تأیید قرار داده است !! هیچ کس فرا موش نمیکند که وقتیکه رای دهندگان به حوزه های انتخاباتی میرفتند، بر درو دیوارهای حوزه انتخاباتی این پوسترها (برخلاف قانون انتخابات البته !!) نصب گردیده بود. هیچ کس فرا موش نمیکند که چگونه حزب یون اسلام بناه و " بشردوست " عده ای مددکار اجتماعی !! را بسیج کرده بودند تا مردم زحمت نوشتن اسامی نامزدهای مورد علاقه خود را بخوندند و آنها را برایشان نام پیروان اصیل " خط امام " را بروی کارت های انتخاباتی بکوبند. بگونه ای " اسلامی "، " مکتبی " و " انقلابی " نقش میگردند.

تقلب آنچنان وسیع و گسترده بود که " مشروعیت " این انتخابات در سطح وسیعی زیر سؤال کشیده شد. صحبت بر سر ابطال انتخابات تقلبی در جامعه جریان داشت. بالاخره با پسا درمیانی خمینی، هیات ۷ نفره بررسی انتخابات تشکیل شده و معلوم بود که این هیات فقط برای کش دادن قضیه و ماستمالتی " شرعی " این تقلبات گستاخانه میباید. (همه، هیاتهای " بررسی " پس از آن این شیوه حسنه را دنبال نمودند !!)

[ولی شیخ تقلب در انتخابات مجلس شورا آنچنان سمج است، و " فدائقلابیون " و " لیبرالها " و " منافقین " آنقدر بروی این شیوه " پسندیده "، " مکتبی " و " مشروع " متبسه خشاش میگذارند که بالاخره فریاد " مفسر کیهان " که به بررسی کارنامه، یک ساله، مجلس نشسته است در هیات یدوبیا یک استدلال کوبنده !! همه این " قاسطین و مارقین و ناکثین " را بر سر جای خود مینشانند. توجه کنید :

" انتخابات مجلس میشود تقلبی باشد "
 (آها ! پس میشود؟ این حکم اول) سپس ادا می دهد :
 " اما یک نماینده واقعی نمیتواند با تقلب خود را بسند مجلس تحمیل کند " !!
 (مجبوریم به کمک " مفسر " مکتبی خود بیاشیم. منظور ایسین قلم الکن آنستکه یک نماینده واقعی احتیاجی به تقلب ندارد. بقیه در صفحه ۵

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۲۰۰

البته مکرر اینکوی نماییه واقعی نباشد!!؟ این حکم دوم (سپس به نتیجه گیری درخشانش میرسد :

" پس مشخص شد (مثل روز روشن شد!!) که این مجلس شورای اسلامی ، یا همه عیوباتی که دارد ، مجلسی است مردمی " !!!

(مشخص شد؟) ولی سؤال هنوز باقی است : آیا ثقلب گسترده صورت نگرفته است؟

دور دوم انتخاباتی نیز انجام گردید و فرادای انتخابات روزنامه جمهوری اسلامی فاتحانه چنین اعلام کرد :

" خط امام در مجلس اکثریت پیدا کرد " !! بدین ترتیب در طی یک " کارزار " ما هران انتخاباتی با یک قانون انتخابات ارتجاعی ضد مکرانیک و ضد آزادیخواهانسه ، و از طریق یک ثقلب دوم مرحله ای حزب جمهوری اسلامی " اکثریت " مجلس شورای اسلامی را بدست آورد . را دبرای تاخت و تاز بسیار شده بود .

در انتخابات مجلس شورای اسلامی فقط ۲/۵ میلیون نفر شرکت کردند . (در بسیاری نقاط که شکست حزب یون و دولتیون مسجل بود چون برخی نقاط کردستان ، اطلاق انتخاباتی انجام نگرفت) . همین تعداد کم شرکت کننده نشاندهنده علاقه مردم به این " تاکتیکیهای " درخشان حزبی و سیر رویدادهای جامعه تحت حکومت جمهوری اسلامی بود . (در مقایسه در انتخابات ریاست جمهوری که بیش از ۱۴ میلیون نفر ، فرارندوم قانون اساسی ۱۶ میلیون نفر ، و در فراندوم جمهوری اسلامی بیش از ۲۰ میلیون نفر شرکت کرده بودند) .

امروز که حزب یون حاکم عرصه زابرن رئیس جمهور تنگ کرده اند ، وی بر همین آمار و ارقام تکیه میکند ، اینکه و بیسش از ۱۰/۵ میلیون رای آورد در صورتیکه مجلس در کل فقط ۲/۵ میلیون نفر . جناب هاشمی رفسنجانی جواب دندان شکنی به این " سفسطه " داده اند که دانستنش خالی از فایده نیست :

" دشمن همیشه قلب را هدف گیری میکند . حتی گاهی در یکی از روزنامه ها مسایلی مطرح شده که با مغالطه عجیب و غریبی خواسته اند مجلس را در درجه دوم اهمیت قرار دهند مثلا میگویند رئیس جمهور ۱۰ میلیون و خورده ای رای دارد ولی مجلس ۷ میلیون و خورده ای رای دارد . بسا اینکه خودشان خوب میدانند (!!) که اگر مجموع رای هفت میلیون بوده مثلا تهران که سی تا پینده داشته و بهر حال نماینده ای حدود یک میلیون تا یک میلیون ونیم رای داده شده ، میشود چهل و پنج میلیون رای مردم فقط در تهران است !!!" (ویژه نامه کیهان - ۹ خرداد) چه کسی میگفت اینها " چرتکه اندازان " خوبی نیستند! بهر حال " مجلس شورای اسلامی " اینگونه متولد گردید!

نویسنده و مفسر " شوخ طبع " !! ویژه نامه کیهان پس از آنکه بطرز " داهیانسه " ای تقلبی بودن انتخابات مجلس

شورای اسلامی را " رد " می نماید ، بمانند آنکه با یکعده گنج و منگ (مانند خودش) طرف است ، چنین نتیجه گیری " عالمانه " می نماید :

" با توجه به مطالب فوق ، یعنی وقتی که ما گفتیم که این مجلس ، مجلسی است اسلامی و مردمی پاسخ به این سؤال که این مجلس مردمی در یکسال گذشته چه کرده است معلوم میگردد . چرا که یک مجلس مردمی -- اسلامی در مجموع کارهای مردمی انجام میدهد " !!!

دیگر بهتر از این ، دندان شکنانه تر از این نمیتوان استدلال کرد!! ولی ما فعلا کاری به این " استدلال " حضرت " مفسر " شوخ طبعمان نداریم . جناب ایشان برای محکم کاری وارد بررسی جزئیات (البته برخی از جزئیات) میشوند و مسارا بناچار بدنبال خود میکشاند :

" ... اگر شما سنگدلی نموده ، سینه های ما را آماج گلوله های خود گردانید ، ما هم از این جانبازی و فداکاری عاری نداریم و هیچوقت نمی گوئیم که چرا ما مغلوب مستبدین و بی دینها شدیم . چرا که برادران آذربایجانی و کیلانی و اصفهانی ما در راه و عنقریب خواهند رسید . ما میخواهیم با بدنهای خود زیرم اسبهای آنها را نرم و مغروش کرده و زمین تهران را برای تشریفات مقدم این میهمانهای تازه رسیده از خون گلوی خود زینت دهیم و به آن برادرهای مهربان بگوئیم و افتخار کنیم که ما نیم بیش صفیای شهدای راه آزادی "

(جها نکیر صورا سرافیل - چند روز پیش از به تمسوی بسته شدن مجلس و چند روز قبل از شهادت)

" اکنون بدن نیست به قسمتی از این کارها اشاره نکنیم . بنظر ما اولین کار مثبت مجلس (که تاریخ آن را فراموش نمیکنند) این بود که با بررسی دقیق اعتبارنامه های افراد مشکوک و وابسته ای چون مدنیها ، اعتبار را این با نده خطرناک را ساقط کرده و این مسئله کوچکی نیست که به سادگی از آن گذشت " !!

پس اولین کار مجلس عبارت بود از بررسی اعتبارنامه ها ، آنهم بشیوه " تاریخی " که بهیچ رو نمیتوان به " سادگی " از آن گذشت . مفسر کیهان ما را به وارد شدن بیشتر در این " جزء " تحریک کرده است و ما " با اکراه " به این کارتن می دهیم و به " سادگی " از آن نمیگذریم :

اول در مورد اقدام " تاریخی " ردا اعتبارنامه مدنی : تا آنجا که ما به " تاریخ " رجوع کردیم ، جناب مدنی قبل از آنکه " اعتبارنامه " اش از طرف مجلس رد شود ، خود " اعتبار " مجلس را رد کرده بود . یعنی آنکه قبل از آنکه مجلس بخود بیاید و به بحث " اعتبارنامه " این جلاد آمریکایی برسد ، جناب ایشان علنا ما سک و نقاب از چهره برداشته بود . از مجلس کناره گیری کرده بود ، به میان اردوی کودتاگران شقایبی کوچ کرده بود ، و از آنجا که ما او و ملجاء آمریکایی های دوآتشه - پاریس - رسیده بود . مجلس تنها کاری که کرد این بود که " آبروی " نداشته خود را ببارد " اعتبارنامه " مدنی حفظ کرد . مجلس فقط بربیک کار انجام شده ، و به ابتکار مدنی انجام شده ، یک صحنه " رسمی " گذارد . همین وبس! دیگر آنکه جناب " تاریخ " پر داز ما خوبست یا دش نرفته با شکه چه کسی ، چه جریان و حریان تسی ، مدنی را به دریا دار مدنی و استا ندر مدنی در جامعه پس از انقلاب

اینجا با بیدرفت سراغ آن اعتبارنامه‌هایی که مجلس شورای "مردمی" و "اسلامی" تصویب کرد، آخر مجلس بیش از آنکه "رد" کرده باشد، "تصویب" کرده است، فکر کنیم که حتی "تاریخ" پرداز شوخ طبع ما هم به این نکته واقف باشد. چند نمونه:

مجلس "اعتبارنامه" دکتر حسن آیت را تصویب کرد. فکرنمی کنیم دیگر امروز کسی در ایران باشد که به گذشته و حال "درختان" حسن آیت واقف نباشد. حسن آیت، نوجه دکتر مظفر بقاشی کرمانی رهبر "حزب زحمتکشان" در دوران حکومت شادروان دکتر مصدق بود. همین حزب کذابی بود که در مساق - کشی های دوران مصدق نقش بازی میکرد، و همین حزب کذابی و گردانندگانش - بقاشی وزه‌ری و آیت - بودند که پس از کودتای ۲۸ مرداد، آشکارا از بیگل گوش رژیم ژنرال زاهدی سرب - آوردند و با آنها هم پیا له شدند. جناب "تاریخ" نویسنده چه "ساده" از روی این واقعیت تاریخی گذشته است و حتی - "حال" هم که آیت و قادات را نه از مراد خود - بقاشی - تجلیل میکند، توجه نمی نماید. فکرنمی کنیم هیچ کس نداند که آن "مبارزات" فدویمی درجا معه و در ارتش که دکترا آیت لافش را میزند، هیچ نبوده است جز گرداندن یک "انجمن ضدبها ئی‌گری" که ساواک شاهی هم خوب از آن اطلاع داشت و چون جزا نحراف جدی در مبارزه حاصل دیگری نداشت، مشتاقا نبدان پا میداد. آن جریان ضدبها ئی‌گری کذابی که مبلغ اش، فلسفی مجیزکوی رژیم کودتا با شجه ضری به حال رژیم میداشت؟ فکرنمی کنیم هیچ کس نداند که این آیت کودتا چی چه مردک فاسدی بوده که حتی ما برای رسوایش در دوران دبیری دبیرستانهای دخترانه از تربیون همین مجلس کذابی پخش گردید. فکرنمی کنیم هیچ کس آن "نوار" معروف را قرا موش کرده باشد، فکرنمی کنیم هیچ کس بلوای ارتجاعی ای که به تئوری پرداز ی همین آیت در دانشگاه‌ها براه افتاد، قرا موش کرده باشد. آری مجلس اعتبارنامه این مردک بدنهارا به تصویب رساند. تاریخ پرداز ما زما سکوت اختیار کرده است!!

مجلس اعتبارنامه "استاد"!! اکبر پرورش را هم تصویب کرد. حتما "تاریخ" پرداز ما این "استاد" شهیر را می شناسند؟ اگر نه، ایشان نایب رئیس همین مجلس کذابی میباشند! ایشان جزوه‌مان داروده‌سته "مکتبی" ضدبها ئیست بودند. و خوبست فقط از اعتراف نامه ایشان تکه‌ای بیاوریم تا شاید عرق شرم بر پیشانی "تاریخ" نویسنشیند:

"... اما در مورد افکارم بگذارید چند سطر هم قلم بزنم و آن اینکه من با تمام وجودم به نظام شاهنشاهی که جزء لاینفک قانون اساسی است ارج مینهم و برخلاف این اصل و این فکرگامی ننهادم. بهرجهت با ردیگر وفاداری خود را با ردیگر به مقام منبع سلطنت و قانون اساسی اعلام داشته و از خداوند بزرگ توفیقات آن مقام منبع را در راه تحقق آرمانهای حیاتی جامعه ایران خواستارم. اکبر پرورش"

آیا "تاریخ" نویسنده ما میداند مخاطب این نامه که بود؟ تیمسار معظم ناجی - فرماندار نظامی اصفهان و آیا میدانند این نامه در چه تاریخی نوشته شد؟ ۵۷/۶/۲۰، سه روز پس از جمعه خونین تهران و اعلام حکومت نظامی سراسری! "تاریخ" چه طنزآلود و تلخ است!

مارسانندند. این اقدام هم در نوع خود "تاریخی" بود. آن زمانی که جناب دریا دارمدنی در خوزستان جلادی میکرد و خمون میریخت، چه کمائی بودند که از قم - مهد روحانیت ایران - برایش هلهله و شادی میکردند و او را "سربا ز اسلام" می‌نامیدند؟ امیدواریم مفسرکیهان به سادگی از روی تاریخ نگذرد!؟ امیدواریم جناب مفسرکیهان نویسنده ما قرا موش نکرده باشد که اعتبارنامه - ورود به مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری - جناب مدنی را وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران بزعامت همین جناب هاشمی رفسنجانی - رئیس مجلس شورای اسلامی کنونی - و نماینده امام - جناب موسوی خوئینی‌ها - مورد تأیید قرار دادند. و حتی پس از آنکه اسناد رسوایی ایشان از طرف "خط امامی" های درون جاسوس خانه بر ملا شد، هیچ اقدامی برای حذف این تیمسار آمریکایی نکردند! امیدواریم جناب مفسرما

"هیچ وا همه ننمائید!... زیرا ما در حقوق ملیه خود - که عین عدالت است - کوشش مینمائیم و این - (مستبدین) در منافع شخصی و به ضرر ملت تلاش میکنند" (سردار ملی انقلاب مشروطه - ستارخان قره داغی)

"آزادی را نباید از دیگران کدایی کرد، بلکه باید به - جناب آورد. (اینجا نیوسویلو نوسه)

قرا موش نکرده باشد که اعتبارنامه - ورود جناب مدنی به انتخابات مجلس شورای اسلامی "مردمی" را همین وزارت کشور جمهوری اسلامی - اینبار بزعامت آیت الله مهدوی کنی - مورد تأیید قرار دادند! پس اگر نخواهیم به "سادگی" از روی "تاریخ" بگذریم، مجبوریم اعتراف کنیم که همین دست اندرکاران "اسلامی" و "مردمی" جمهوری اسلامی به تیمسار مدنی جلاد و مهره آمریکا، اعتبار بخشیدند. و چه طنزآلود است که جناب مدنی در "اعتبار" حضرات پیشقدم شدند! این از نکته اول بررسی "تاریخی"!!

دوم: موقعی که مفسرکیهان نویسنده ما شروع بدرس "تاریخ" میکنند و بپندارند رژیم "سادگی" گذشتن از روی آن راه چاشنی - اش میکنند، خوبست خودش پای این درس و این پندوانند درز با یستد و گوش کند! زمانیکه وارد بررسی "تاریخ" مینویسد، نباید به آن تک بزیند، و تازه آن دانه‌هایی را ورچیند که به مذاق خودتان خوش میآید. مجلس شورای اسلامی فقط "یک" اعتبارنامه تیمسار مدنی را بررسی نکرد، دو بیست و خسورده‌ای اعتبارنامه در این جمع کذابی مورد شور و مشورت قرار گرفت، آیا "تاریخ" نویسنده ما فکر نمی‌کند "با یک کل بها رنمیشود"؟! جناب "تاریخ" نویسنده ما متاسفانه پندوانند درز خود را خیلوسی زود قرا موش کرده و به "سادگی" از روی آن گذشته است. ولی ما که می‌خواهیم "تاریخ" را صادقانه و ارسی کنیم مجبوریم کمی سامل شما کنیم:

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۶۰

هنوز اسم بی مسایشان برکتا بهای درسی دوران آریا مهر نقش بسته است و منشا روزی بر معدوم فرخ رویا رسا بودند (البته تحت رهبری "استاد" شان جناب بهشتی)؛ جناب هادی غفاری، مرگ عقده‌ای و روانی و غلیل المعزی که علنا گفته است میخواهد فاشیت بازی در بیاورد و دیکتا توری ملاتاریا برقرار سازد؛ جناب موسوی تبریزی، نماینده تیریز و حاکم شرع دادگاه محمد رضا سعادت و... راستی "تاریخ" نویس ما اینها را میدانست و نگفت و یا ندانسته از آنها به "سادگی" گذر کرد؟ مجبوریم باز به کمک "تاریخ" نویسان بیائیم و به او بگوئیم، به او درس بدهیم، که تنها نقطه مشترکی که این اسامی را با ما بهم وصل میکنند چیز است و آنهم، راز آشکاری بنام رهرو سینه‌زن و سمپات و محیز کوو... حزب جمهوری اسلامی بودن! همیسن!

سوم: موقعی که وارد "تاریخ" میشوید، با شما احتیاط بقه شمارا می‌جسد و میکسوید من را آنطور که بودم بازگو کنید، نه کم و نه زیاد. ما هم که شاگرد تاریخ هستیم و به پند و اندرز "بیدرانه"!! کیهان نویسان وفادار، مجبوریم باز هم در این باره بگوئیم.

مجلس اطلاع بررسی "اعتبارنامه" نماینده، مردم مسجد سلیمان را در دستور کار خود قرار نداد. مجلس در مورد نماینده مردم مسجد سلیمان به این اولین کار "تاریخ ساز"!! خود تن نداد. "تاریخ" نویسان ما میدانند چرا؟ باز هم باید به مغز خود فشار بیاورد چون حدود یکسانی است که از این ماجرا گذشته است. اجازه دهید به کمکش بنشینیم؛ به یک دلیل ساده. وی از هواداران سازمان مجاهدین خلق بود. همین ویس! مجلس آنقدر "مردمی" و "آزادبخش" است که حتی حاضر نشد به ابراز تمایلی که مردم مسجد سلیمان کرده بودند تنگناهی بیندازد، و با حتی جرئت کند رسماً و علناً دلایل مخالفت خود را اعلام نماید.

اما بدو داریم "تاریخ" نویسان ما فراموش نکرده با ندکجه مجلس برای تصویب اعتبارنامه آقای اعظمی لریستان... نماینده خرم آباد - جهانم شنکهای راه انداخته و بالاخره چگونه تحت فشار مجبور گردید آن را به تصویب رساند. آب... "تاریخ" نویسان ما میدانند چرا؟ اگر "مورخ" شهیر ما بودند آقای اعظمی لریستانی اتفاقاً!! بدر دکترا اعظمی لریستانی، یکی از مبارزین کمونیست خرم آباد بود که در راه آرمان رهایی، آزادی و استقلال و آزمانها بش به شهادت رسید. "اکثریت" اسلامی و "مردمی" بهیچ روحا حاضر نبودند که در مجلس شورای اسلامی شان پدریک کمونیست (آه چه شرک آلود!!) وجود داشته باشد. ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند، چون دیگر خرد را رسوای عام و خاص میکردند. بالاخره هم با شایعی تمام اظهار داشتند که خیر شهید دکترا اعظمی لریستانی اصلاً "مذهبی"!! بوده است. ولی یک سال بعد خواستند زهر خود را بریزند. همین چندی پیش بود که جناب هاشمی رفسنجانی به خرم آباد رفت، در بیمارستان دکترا اعظمی لریستانی حاضر شد و قصد تعویض نام بیمارستان را داشتند، تغییر نام به بیمارستان شهدا! (آه چه سوء استفاده چنان بی شرفی!) ولی مردم خرم آباد در جلوی بیمارستان جمع شدند، جناب رئیس مجلس را مجبور کردند تا دوباره تا بلوی اصلی با متن "بیمارستان شهید دکترا اعظمی لریستانی" را نصب کند. سپس سرسکی را به پیش افکنده و گفتند برو...

و چهارم: و بالاخره ما چه درسی از این "کاراول" مجلس میگیریم؟ "کاراول" مجلس ادا مه کار قبل از مجلس بود! حزب

بقیه در صفحه ۸۰

مجلس اعتبارنامه محمد تقی رنجبر را هم تصویب نکرد. اینبار "تاریخ" نویسان ما باید کمی به مغز خود فشار بیاورد چون جناب رنجبر به معروفیت "استادان" شهرش نیست. جناب رنجبر کوچک ترازان بود که به "تیمسار معظم ناجی" نامیده بنویسد و با ازبیران "قدیمی"!! دکتر مظفریفاثی کرمانی باشد. بیجا ره‌ایسان با دیده گروهان زاندارمیری نامه مینوشت:

"فرماندهی محترم گروهان زاندارمیری شهرستان مومعه صرا: احتراماً با اطلاع میرساند سبهای جمعاً از ساعت ۶ بعد از ظهر الی ۱۰ سب مجلس معارف اسلامی از طرف اهالی چوبه تویر قرار است. از آنجا شیکه شخصی سخنای علیحضرت هما یونی سا هننا آریا مهر حاجی دین مین اسلام (سعه) مینباشند، امیداست به همسب بروردگار این سبها جوانان نا ه دوست و مپهن برسب سخا نیت دین مین اسلام آشنا و جان ننا رنا هننا ه آریا مهر و خاندان حلیل سلطنت... (بعلمت سوختگی سدنا خوانا بود)

از طرف هیات جوانان قائم محمد تقی

رنجبر

البته ما به همراه "تاریخ" نویسان اذعان میکنیم که مجلس دلایل خوبی برای تصویب "اعتبارنامه" این جوان "برشور" داشت. ایشان هم "اسلامی" بودند، هم "حوان"، هم "مکتبی" و حتی!! هم "حزبی"، "شاهدوست" بودن ایسان هم که زیاده در روند "تاریخ" تا تیری نمیکذارد!!

مجلس "اعتبارنامه" جناب آقایان محمد علی رحایی، عسکرا ولادی و... هم تصویب کرد. فکر نمیکنیم "تاریخ" نویسان ما دیگر زیر این بگ نکته بزنند. ولی اگر فقط ۳ سال از تصویب اعتبارنامه‌های این آقایان به عقب برگردیم، با طلسسه‌های رویرو میسوم برتیب داده شده از طرف ساواک که عده‌ای "نادم" و "سیمان" هریک سا عکسای علیحضرت و علیا حضرت!! بر سینه‌شان "اعتبار" آزادی خود را با شرافت و انسا نیت تاخیت زده بودند. عجبا که با چهره‌های "معصوم" جنابان رجا پچی و عسکرا ولادی در این جلسه معروف، رویرو میسوم. و آیینا "تاریخ" نویسان ما میدانند این گروه به چنان می‌درزنند (زندان شاه) معروف شده بودند؟ "گروه سیاس"، "وسپاس-گوی چه کسی بودند؟ ما که از گفتنش شرم داریم!

مجلس "اعتبارنامه" محمد علی بشارتنی را هم تصویب کرد. "تاریخ" نویسان ما میپرسد مگر چه شکالی دارد؟ هیچ! فقط کافی است به فهرست اعضاء و هواداران!! ساواک نظری بیفکند تا جناب ایشان را با یک شماره رمز (ب ۳۲ ۵۵۵) بیابند!! راستی برای این مجلس و آن "اکثریت" جاهشکالیسی دارد؟!

مجلس "اعتبارنامه" خیلی‌های دیگر را هم تصویب کرده ما به تفصیل در باره‌شان نمی‌نویسیم؛ جناب آقای معین فررا که همین چند هفته پیش یکی از نمایندگان عکس دستبوسی هویدا پیش را در مجلس گذاهی چرخاند، جناب‌های با هنر را که

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۷

جمهوری اسلامی با تقلب دومرحله‌ای " اکثریت " را بدست آورد و بفریب این " اکثریت " قلابی و ارتجاعی هر چه بدنهاد حزب پرست بود تا شید کرد. حزب جمهوری اسلامی با تزویر و زورگویی و تقلب از ورود نیروهای مترقی به مجلس جلوگیری کرد، و با عدم بررسی و رد " اعتبارنامه " های آن عده، معدودی هم که سه از هفت خوان حزب گذر کرده بودند، آن را تکمیل کرد. بنگ کلام فرآیند تصویب و رد اعتبارنامه‌ها ادامه، تقلبات قلبی بود. و زبان " تاریخ " نویسنده طبع ما " و این مسئله کوچکی نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت " و ملت ما هم به سادگی از آن، و از " آن " های دیگر نخواهد گذشت. مطمئن باشید! روزی با خواست نزدیک است. نه در آسمانها البته! در روی زمین و در همین ایران خودمان. و این بار ملت به " اعتبار " نامه‌ها رسیدگی خواهد کرد.

بهر حال از خواننده عزیزمان با خاطر بقول معروف " اطمانه کلام " عذر میخواهیم، ولی چه باید کرد که از این موضوعات به " سادگی نمیتوان گذشت "!

قبل از آنکه وارد " کارهای " دیگر " تاریخی " و " مثبت " مجلس گردیم، باید به اطلاع خوانندگان عزیزمان برسانیم که معمولاً پس از تصویب " اعتبارنامه‌ها " مجلس بقول معروف " رسمیت " نیافت، چون بر طبق قانون اساسی دستخط ولایت فقیه‌ای های مجلس خبرگان، جمع به اطلاع نمایندگان ملت!! یک " آقا بالا سر " دارندینام " شورای نگهبان " که بر مصوبات مجلس نظارت میکنند " شرعی " بودن و " قانونی " بودن آنها را بررسی می نماید. و چند ماه پس از " تولد " مجلس این جمع قلدرو حاکم بر سر نوشت ملت تشکیل شده بود. ما فقط به گفته‌ای از جنت الاسلام والمسلمین مانعی، از اعضای متکبرای " " سورا "!! رجوع میکنیم، تا خواننده در یاد که تا چه حد این حزب یون مستبد، و این قانون اساسی کذایی، برای رای ملت که گویا " میزان " است، ارزش قائلند:

" همه میکنیم به قانون اساسی باید عمل کرد، اما هم فرموده اند حکومت مان قانون اساسی است، یعنی مال ملت است. اما من فکر میکنم شما هم اگر به اصول قانون اساسی مراجعه کنید تنها نظری که میتوان حاکم قرار دهیم، نظریه شورای نگهبان است. چون شورای نگهبان در قانون اساسی تعیین کننده کاندیداهای ریاست جمهوری در دوره‌های بعد است. در دوره‌های قبل، با امام و در دوره‌های بعد با شورای نگهبان است. نظارت بر انتخابات مجلس، نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، شورای نگهبان مفسر قانون اساسی است شورای نگهبان در مقابل دویست رای در مجلس رایش قاطع است یعنی اگر اکثریت مجلس مطلبی را گفتند، شش سواری نگهبان سخیص داد مخالف قانون اساسی است، طبق خود قانون اساسی رد میشود. من فکر می کنم اگر خواهیم پیام امام (ده ماده‌ای در ۲۵ اسفند) پیاده

شود، باید برگردیم به شورای نگهبان، مسئولیت را هم بعده آنها قرار بدیم که قانون اساسی هم قرار داده که یک وقت خدای نا کرده یکی از ماها در آن حرف قرار بگیریم. " (جمهوری اسلامی - ۸ فروردین ۱۳۶۰)
 " میزان رای ملت است " ! آقا بالا سران بالا این جمله بسیار رایج و بر سر زبانها از خمینی بیخ و بی معنا نیست، آیا زمانیکه " فقیه " آنها از قماش کسانی چون جنسی و خزعلی - که به جلادان و قابع دانشگاهها در خوزستان معروفند - همین مانعی که در دفاع از فتوای و فتواییم سندا مضاء کرده است، رایشان بر برای همه، ملت ایران " قطعیت " داشته باشد، " میزان " بودن " رای ملت " بیش از عوام فریبی معنای دیگری خواهد داشت؟ حجت الاسلام مانعی در اینجا حرف دل تمامی دستجات هوادار استبداد را، که برای رای و نظرسزوده‌های ملت پیشیزی ارزش قائل نیستند، به کوتاهی و کویایی بیان داشته است.

" شورای نگهبان " این آقا بالا سر ملت ایران، جمع مرتجع و مستبدی که بنا به قانون اساسی کذایی خود را مغز ملت ایران تعیین میکند، آخرین مافی افکار مترقی برای روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی است. " شورای نگهبان " جایی است که " اگر خدای نکرده " چیزی خلاف رای مستبدین زیر پرده " دین جمع شده در " اکثریت " مجلس در رفت، اینها به رتق و فتق آن بپردازند. متاسفانه!! ویژه نامه نویسان کیهان بخود زحمت ندادند تا این " همزاد " مجلس کذایی را که میمانند " سنای " آریا مهنی عمل می نمایند بررسی کنند. ولی مطمئن باشید که ملت ایران برای اتخاذ تصمیمات خود احتیاج به " آقا بالا سر " ندارد، مهم نیست اسمش را چه بگذارند، ولی فقیه " یا " شورای رهبری " یا " شورای نگهبان " و... این " آقا بالا سر " ها باید بروند و خواهند رفت!

ادامه دارد

سرود آزادی

آن زمان که بنهادم سربای آزادی
 دست خود ز جان سبتم از برای آزادی
 تا مگر بدست آرم دامن و مالش را
 میدوم به پای سردر قفای آزادی
 با عوامل تکفیر صرف ارتجاعی باز
 حمله میکنند ای سربینای آزادی
 در محیط طوفانزای ما هر آنه در جنگ است
 ناخدای استبداد با خدای آزادی
 شیخ از آن کندا صرار بر خرابی احرار
 چون بقای خود بیند در فتنای آزادی
 دامن محبت را گر کنی ز خون رنگین
 میتوان ترا گفتن پیشوای آزادی
 فرخی ز جان و دل میکند در این محفل
 دل نثار استقلال، جان فدای آزادی
 فرخی یزدی

" ما برفد حکومت ارتجاعی و استبداد قیام کرده ایم
 هرگز نباید به خستگی و یاس تسلیم شویم، بخصوص که وقتی
 که با رنگین زندگی ملتی از مویی باریک آویزان شده
 باشند....."
 (شیخ محمد تقی باستانی)

جمهوری، ولایت فقیه نمیشود!

ولی اکر ولایت جمهوری را بزمین بکوبد مگر پرده" ستری بر استبداد نخواهد بود و نیست. "استبداد در پرده دین" یعنی همان خط تحولی که سادروان طالقانی برای جمهوری اسلامی گوشزد کرده بود و اکنون با همه، عربانی خود را به مردم ایران نشان میدهد.

گفته بود که "مشروطه مشروع نیست" یعنی حکومت متکی به رای ملت نمیتواند تا به دین و شریعت باشد. اکنون هم مردم ایران هر روز به وجسه آشکارتری متوجه میشوند که جمهوری نمیتواند مشروع (مکتبی!) باشد، یعنی اصل رای همگانی و حاکمیت مردم نمیتواند تا به ولایت شرعی باشد و عاقبت یا جمهوریست یا بیدزمین زده شود و یا ولایت.

میان دولت و دین، میان حق انتخاب ملت و حق انتصاب ولایت، لخت و عریان آشکار ساخت و اما ما را مجبور ساخت که علیه "دیکتاتور" جمهوری (یعنی رای مردم) بسود دیکتاتور فقیه موفوع بگیرد و آنرا با دیکتاتور شاه یکی قلمداد کند. سادروان عبداللله مازندران از مراجع تقلید در زمان انقلاب مشروطه راست

آن بن بست است که امام گفته بود در جمهوری اسلامی نیست و نمیتواند وجود داشته باشد، اکنون همه می بینند که هست و دقیقاً برای شخص امام ولایت فقیه و هم هست. سخنان امام در ۱۸ خرداد یعنی همین چند روز پیش از حمله تانک قض درونی نظام جمهوری اسلامی را، یعنی تناقض میان مفهوسوم جمهوری و مفهوم ولایت، میان حکومت عرف و حکومت شرع،

تقلب تلویزیونی در پخش مراسم پانزده خرداد

تلویزیون که رادیو —
 تلویزیون بنام مراسم نماز جمعه پانزده خرداد سال نشان داد، از آن خود این مراسم نبود بلکه تصویر اولین مراسم نماز جمعه به امامت آیت الله طالقانی بود. نیرنگ سا زان حاکم با این جعل تلویزیونی میخواهند پریودن دانشگاه را از انبوه جمعیت نشان دهند، در حالیکه همه میدانند که بهنگام آمدن مردم بسوی دانشگاه پس از مدت کوتاهی، در حالیکه هنوز فضای دانشگاه بسیار خالی بود، درهای دانشگاه را بستند تا خیا با نهای اطراف پر شود و حالت "توده" میلیونی (!) "بخود بگیرد".

"هر کس خدای خود را در یکی از صفاتش ستایش میکنند... من پروردگار خود را در مظهر آزادی پرستش میکنم و معتقدم... بالاترین موهبتی که خداوند به بندگانش عطا فرموده آزادی است. زیرا بدون آزادی... بشر به گستردن بساط مملکت و عدل، و صعود به مرحله کمال انسانی، نایسب نخواهد شد. آزادی کمال مطلوب انسانی و مظهر نکویی و زیبایی است. و کاخ عدالت و انسانییت جز در روی پایه آزادی، استوار نخواهد گشت و درخت تمدن جز در پرتو آزادی پرورش نخواهد کرد. و ریشه ظلم و ستمگری جز با تیشه آزادی کنده نخواهد شد. و تخم حکمت و فلسفه جز در زمین آزادی نخواهد روئید... اصل حقوق بشریف جز در کنف آزادی مضمون نخواهد ماند. و شرافت و حقوق مسلم جز در سایه آزادی محفوظ نخواهد شد....."

(ملک المتکلمین: شهید انقلاب مشروطه — دشمن محمد علی هیزای مستبد و قهدست ملعونش شیخ مشروعه چی فضل الله توری)

بقیه از صفحه
 خبرهائی از...
 مردم آستان را در برابر بریسورش کودتا گرانه؛ چندروزه اخیر چنانست که امروز هیچ روحانی و ملائی نمیتوانند وارد این شهر شود؛ و اکریک روحانی بخوانند از آنجا عبور کنند ناچار راست لباس خود را عوض کنند و لباس عادی بپوشند.
 * * *
 طبق اخبار موثق در اطراف هشتگرد و دوزخورد شدیدی میان مردم (به هواداری بنی — صدر) و طرفداران حزب حاکم روی داده، که در جریان آن تعدادی کشته و زخمی شده اند.
 (۱۹ خرداد)

حقیقت
 اتحادیه کسبه و بازاریان ایران
 را بخوانید

مرگ بر نوکری ابر قدرت ها در پرده دین

هوشیار
باشید

موردگروگانهای آمریکائی اتفاق افتاد خواهد انجامید. در این رابطه حمله هواپیماهای اسرائیلی به عراق که احتمالاً زمینه را برای توجیه قطع جنگ توسط مستبدین وطنفروشان در عراق و در ایران فراهم میکند قابل توجه است.

امرار روزافزون آقای رجائی برای تصدی بست وزارت خارجه، نقشه‌ای که تحت عنوان "حذف فرمان همایونی" برای اعمال حاکمیت بر خزانةهای کشور توسط دارودسته مستبدین وطنفروش بیا دهنده و اینک این چشمه آخری یعنی حذف رئیس جمهور از فرماندهی کل قوا همه حلقه‌های یک زنجیرند، زنجیری که برای به بند کشیدن ملت و ناسودی آزادی و استقلال میهن بافته شده است.

نجات انقلاب و میهن درگروا تحاد مردم و متشکل شدن و قیام بر علیه مستبدین حاکم است. کارگران کارخانه‌ها با تنگ اعراض خود را بر علیه این خیانت بزرگ بردارید! کارگران چاپخانه‌ها، روزنامه‌فروشها، کارمندان و کارکنان رادیو تلویزیون دست از کار بکشید و بگذارید که آوای شوم خیانت را در جامعه ما بدست شما انتشار دهند.

دانشجویان، دانش آموزان و آموزگاران، جوانان سراسر کشور، شما که همواره در نهضت‌های ملی و آزادیخواهانه ملت نقش بیشتا زویشا رت دهنده پیروزی را داشته‌اید، اینک وقت عمل است. به میان مردم بروید و خائنین و مستبدین را نکشتنما کنید. مردم را به قیام فراخوانید و راه را برای توطئه‌های ابرقدرتها ببندید. بگذارید مستمگران بدانند که نسل انقلاب چگونه به دفاع از میهن و انقلاب برخاسته است! بازاریبان و کارمندان ادارات، با تحم و عنصابت و برکزاری نظاهرات وفاداری خود را به سنت انقلاب مشروطه و انقلاب بهمن نشان دهید و بگذارید استبدادیان حاصل تلاش سالیان دراز را بر باد دهند.

سربازان، پاسداران، افسران و همه نیروهای مسلح، بخود تشکیک استنادن در برابر مردم برای نیروهای مسلح هرگز عاقبتی جز جنگ ابدی نخواهد داشت. حال آنکه پیوستن بسه ملت و فدائی ملت شدن بزرگترین امتیاز برای هرسرکاز میهن پرست خواهد بود.

برخیزید و ستم را تحمل نکنید

"میگویند وقتی شیخ فضل الله نوری از باغ شاه (محمد علی میرزای قاجار) بزمیگشت، به مریدان خود چنین گفت:

"فا تعد مشروطه را خواندیم و قهوه آنرا خوردیم" ولی او فراموش کرد اما فه کند: "و سر خود را بالای دار بردیم!"

"ما مجلسی میخواستیم که نمایندگان دلخواه مردم در آن نشسته و با آلام و احتیاجات دمکراسی آشنا باشند، نه یک دام خیانت و تزویر که در داخل خلافت تهران گسترانیده شده باشد"

(شیخ محمد خیا با نسبی)

برکناری بنی صدر از فرماندهی کل
قوا مقدمه سازش خفت بار
با آمریکا و تسلیم بخشی از
حاکم وطن به رژیم مزدور عراق است.

در ساعات آخر شب روز چهارشنبه ۲۰ خرداد آیت الله خمینی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور را از فرماندهی کل قوا برکنار نمود.

توطئه‌ای که یکسال پیش از این حسن آیت شاگرد با و ساری کودتاگران ۲۸ مرداد ۲۲ طرحریزی کرده بود با یکسال تاخیر به سرمداری سران حزب جمهوری اسلامی و با اتکا بر انحصار طلبی و مشروع گیری روحانیت و دست حتمی اجرا میشود.

این توطئه که با حمله به آزادی مطبوعات و اجتماعات و جمافداری بر علیه حقوق و آزادیهای مردم همراه است، زمینه ساز کودتائی و حسابانه بر علیه انقلاب ایران است.

سعه‌های نوم "مرک بر مصدق" و "مرک بر ملی‌گری" که روز سه‌شنبه توسط او با ش درخبا با آنها سردا ده شده بود گواه بر نقشه‌های خائنانه‌ای است که در پس پرده‌ها طراحی شده اند. آنها که هر روز درخبا با آنها به مردم حمله میکنند و می‌نمایند که ما نه اعلام میکنند که "برای ما ملت مطرح نیست و اسلام مطرح است" در واقع حماق دست‌کاستی هستند که میخواهند حاکمیت استبدادی زیر سلطه‌ای اسلام بر سر را بکنند و آنکه در حجاب این ولایت را برای سلطه کامل امپریالیسم بر میهن ما هموار گردانند.

ست

این توطئه و طرفروشانه برای خیانت ملی است

خبر تشکیل دیوان داوری لاهه برای رسیدگی به مسئله استرداد اموال ایران از آمریکا که درست در همین ساعات اعطای هیئت ایرانی آن از بلندگوهای حکومت جا رزده شد و این خبر همراه با انتخاب فرزند آیت الله کاشانی برای سرپرستی هیئت ایرانی در این جلسات (۲۸ مرداد) فراموش نکنیم) بی شک با توطئه بستن روزنامه‌ها و هجوم به آزادیها مرتبط است.

این توطئه زمینه ساز خیانت در جنگ و تحویل

بخشی از خاک ایران به بعضی‌هاست

حذف بنی صدر از فرماندهی کل قوا به معنای برقراری سلطه و طرفروشانه حزب برجسته‌های جنگ است و یقیناً این توطئه به سازش در جنگ با عراق از نوع آن خیانت بزرگی که در